

با درود و سپاس بر تمامی کائنات عالم هستی و آقای شهبازی نازنین.

برنامه ۹۲۵، غزل ۱۹۲۲ و ابیات انتخابی.

🌸 به نام خداوند عشق 🌸

🌸 ما شادتریم یا تو ای جان؟

ما صاف تریم یا دل کان؟

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۹۲۲

در این غزل مولانای عزیز با واژه "تر" ابیات را شروع می کند که صفت تفضیلی است.

و برتری را می خواهد به من یادآور شود و گویا گفتگوی خداوند با بنده اش می باشد و از او سوال می کند که:

آیا تو در من ذهنی ات می توانی شاد باشی و در لحظه جاری شوی؟

یا در جان اصلی من که همان زنده شدن به من است؟

و آیا تو با همانیده شدن با چیزها و جستجو خوشیختی از آنها صاف تر و ناب تر هستی؟

و زندگی زنده را پر زندگی می کنی و از چیزهای آفل و گذرا زندگی می خواهی؟

و یا وقتی که با معدن کانم حس وحدت و یکتایی می کنی؟ و مرکزت را از چیزهای فانی که زود از بین می روند خالی می سازی؟

همانیده شدن با چیزهای گذرا برای کوتاه مدت و ریشه دار شدنم شایسته بود نه اینکه عینک دائمی آنها را بر دیدگانم قرار دهم و به آنها وابسته شوم و هم هویت.

هر همانیدگی درد ایجاد می کند و این دردها به مرور زمان قرین و همنشین انسان می گردد.

مولانای عزیز در همین ابتدا می خواهد به من یادآور شود که:

به تو توانایی انتخاب داده شده است و مسئولیت کیفیت هوشیاریت به دست خودت می باشد.

آیا من می توانم به معنای واقعی اتقوا و اختیارم را در زندگی شخصی ام اجرا نمایم؟

🌸 اختیار آن را نکو باشد که او

مالک خود باشد اندر اتقوا

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۴۹

🌸 چون نباشد حفظ و تقوی، زینهار

دور کن آلت، بینداز اختیار

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۶۵۰

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، ابیات ۶۴۹ و ۶۵۰

یعنی اگر به معنای واقعی فضا را باز کنم فضای گشوده شده در برابر جذابیت های همانیدگی ها از من محافظت می کند و مالک من که از آنها زندگی نخواهم.

و اگر چنانچه نتوانم تقوی و فضاگشایی را انجام دهم، اختیارم را به زندگی و به مولانای عزیز بسپارم و اشعار آن را بخوانم و تکرار کنم تا به وسیله این تکرار و تعهد فضای درونم گشوده گردد و بتواند از من محافظت کند و بهترین قرینم باشد.

🌸 چون رهیدی شکر آن باشد که هیچ

سوی آن دانه نداری پیچ پیچ

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۸۸۰

و باید من زهرا بدانم که اگر:

فضا را باز کنم و یک لحظه از دانه های شهوت همانیدگی ها خود را برهانم شکر آن این است که دوباره دور و برش پیچ پیچ نخورم، یعنی دوباره با آن خود را همانیده نسازم، چرا که این خود معنای واقعی پرهیز می باشد.

و همچنین شکر واقعی خداوند که دیگر دور و بر این همانیدگی نگردم و نه شکایت کنم و نه ناله و هر چه تسلیم تر و راضی تر باشم، کمک خداوند بیشتر به سویم روان می شود.

در بخش دوم این برنامه یک پرسش اساسی و مهم آقای شهبازی نازنین، نظرم را جلب کرد که:

قرینم چه چیزی یا چه کسی می تواند باشد؟

آیا قرینم خداوند است و مرکز عدم؟

و یا قرینم صبر است و شکر و رضایت‌مندی؟

و آیا قرینم می‌تواند شادی بی سبب باشد و پرهیز و سکوت؟

یا قرینم تسلیم است و فضاگشایی؟

و آیا قرینم پذیرش اتفاق لحظه است و عشق بازی با چالش‌هایی که در زندگی ام وجود دارد؟

و همچنین چالش‌هایی که هر روز برایم پیش می‌آید؟

و یا قرینم چیزهای دیگری از جمله خشم، حسادت، کینه‌ورزی، انتقام‌جویی، و مقاومت و قضاوت کردن است؟

و خیلی چیزهای دیگر می‌تواند باشد که خودم از آنها بی‌خبرم؟

🌸 گفت لقمان: صبر هم نیکو دمی ست  
که پناه و دافع هر جا غمی ست  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۵۲

🌸 صبر را با حق قرین کرد ای فلان  
آخر والعصر را آگه بخوان  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۸۵۳  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، آیات ۱۸۵۲ و ۱۸۵۳

لقمان حکیم می‌فرماید که:

صبر هم قرین بسیار خوبی است و هم قرین نیکو دم و هم نیکو صحبت و هم نیکو همنشینی که می‌تواند هم پناهم باشد و هم دفع‌کننده غم و ناراحتی‌هایم.

و بهترین قرینم می‌تواند خود زندگی و خداوند باشد که در قرآن کریم خداوند صبر را با خودش قرین نموده است و از من بنده اش می‌خواهد که برای اینکه با خودش قرین شوم من هم مانند او قرین و همنشینم را صبوری قرار دهم و صبر کنم و آخر سوره والعصر را آگاهانه بخوانم.

🌸 سوره العصر (۱۰۳) آیات ۱ تا ۳

وَالْعَصْرِ

یعنی: سوگند به این لحظه

یعنی توجه کن به این لحظه که بسیار مهم است، و زنده شدن به این لحظه می‌باشد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

که آدمی در زیانکاری است.

یعنی بدان که:

آدمی هر لحظه در من ذهنی اش در زیانکاری است پس هر انسانی که در مرکزش همانندگی دارد هم به خودش و هم به دیگران ضرر می‌رساند.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

مگر آنهایی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند و یکدیگر را به حق سفارش نمودند.

یعنی: مگر انسان هایی که ایمان آوردند. یعنی کسانی که فضای درونشان را باز کردند و فضاگشایی نمودند و از فضای گشوده شده فکر و عمل و کارهای نیک و شایسته انجام داده اند.

و با این فضای گشوده همدیگر را به صبر و فضاگشایی دعوت می کنند.

پس در نتیجه آگاه می شوم که:

هر همانندگی قبض و گرفتاری و غم را برایم بوجود می آورد که بسیار خطرناک است، و مرا با درد همانیده می سازد و همنشین.

و چاره آموزی بایستی انجام دهم تا علت این گرفتاری و قبض را بدانم و فضای درون را باز کنم.

و در حل و رفع آن فعالانه بکوشم و از خداوند و زندگی یاری بطلبم که مرا دریابد و کمک کند که تا بتوانم سر آن را بزخم و از ریشه در بیاورم و خود را نجات دهم.

🌸 قبض دیدی، چاره آن قبض کن  
زانکه سرها جمله می روید ز بن  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۶۲

و اگر مرکز عدم را تجربه کرده ام و طعم شیرین فضاگشایی را چشیده ام باید فعالانه برای حفظ و پایداری آن بکوشم و متعهد به مرکز عدم باشم.

تا همانندگی جدیدی را جایگزین آن نسازم و همواره با فضا گشایی آب حیات و دم ایزدی را در چهار بدم جاری سازم.  
که تا از این فضای گشوده شده محافظت نماید.

🌸 بسط دیدی، بسط خود را آب ده  
چون بر آید میوه، با اصحاب ده  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۶۳

و در پایان: وقتی که خرد بی منتهای کائنات سرگرم کار است، زندگی شخصی کوچک من زهرا را هم اداره می کند.

🌸 ای ز غم مُرده که دست از نان تهی است  
چون غفور است و رحیم این ترس چیست؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۰۸۷

پر انرژی و سالم بمانید.  
خیلی ممنون، خدانگهدار شما.  
- زهرا سلامتی، از زاهدان.